

فصل چهارم



سبک‌شناسی قرن‌های ۱۰ و ۱۱ (سبک هندی)

درس دهم

پایه‌های آوایی همسان دو لختی

درس یازدهم

کنایه

درس دوازدهم

* کارگاه تحلیل فصل

درس دهم

سبک هندی

شعر

سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم هجری قمری به مدت ۱۵۰ سال در تاریخ ادبیات فارسی رواج داشت. حکومت صفوی به شعر مدحی و درباری و عاشقانه بهایی نمی‌داد و از طرف دیگر با آموزه‌های سنتی عرفانی نیز در تضاد بود؛ از این رو، شاعران به موضوع‌هایی مثل اندرز، مضمون‌آفرینی و باریک‌اندیشی روی آوردند و تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه و در حقیقت بازسازی اندرزها و تمثیل‌های کهن به شیوه‌های نو در میان شاعران رواج یافت. شعر از حوزه تصرف شاعران باسواد و آگاه به فنون ادب خارج شد و در دسترس عامه قرار گرفت و نزد پیشه‌وران و بازاریان رونق گرفت.

این تحول از آن جهت که شعر را به میان عامه مردم برد و با مضمون‌ها و قلمروهای تازه‌ای روبه‌رو کرد، حرکت سودمندی بود؛ اما از آن رو که افراد کم‌اطلاع و عامی به شعر روی آوردند و آن را از استواری و سلامت پیشین خود دور ساختند، برای آینده ادبیات زیان بار بود.





ویژگی‌های شعر این دوره در سه قلمرو عبارت‌اند از:

۱. زبانی

الف) رو آوردن طبقات مختلف مردم - که عمدتاً آموخته‌های ادبی نداشتند - به عالم ادبیات، باعث شد که زبان کوچه و بازار به شعر راه یابد و از این رهگذر روح تازه‌ای در زبان شعر دمیده شد.

ب) دایرهٔ واژگان شعر گسترش یافت و بسیاری از لغات ادبی قدیم از صحنهٔ شعر رخت برپست؛ به نحوی که می‌توان گفت زبان شعر سبک هندی، زبان جدید فارسی است و دیگر از مختصات زبان قدیم مخصوصاً سبک خراسانی در آن خبری نیست.

یکی از دلایل حذف مختصات سبکی زبان قدیم در آثار این دوره، حملات پی‌درپی بیگانگان (مغولان، تیموریان و ازبکان) به ایران، مخصوصاً نواحی مشرق بود که به نابودی کتابخانه‌ها و از بین رفتن آثار کهن منجر شد و فضلاً دیگر با کتب قدیم و در نتیجه با زبان قدیم مأنوس نبودند.

دومین دلیل حذف مختصات سبکی قدیم، تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران و تأثیر پذیرفتن از زبان‌های نواحی گوناگون بود؛ حتی شاعرانی از قبیل صائب هم که در اشعار قدما تتبع بسیار داشتند، از به کار بردن زبان قدیم پرهیز می‌کردند؛ چرا که شعر از مدرسه به بازار آمده بود و زبان رایج مرسوم، همان زبان مردم عصر بود و بنابراین به کار نگرفتن زبان شعری قدما را نباید دلیل بی‌فضلی برخی از شاعران بزرگ سبک هندی محسوب کرد. در این سبک لغاتی چون نزاکت، قالی، شیشه، پل، بخیه، سفال و... را که تا این زمان کمتر در شعر راه داشت، رواج یافته بود.

پ) یکی دیگر از نکات قابل توجه در زبان شعر این دوره ورود لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در حوزهٔ شعر و ادب است.

ت) در این دوره از یک سو باز بین رفتن سلطهٔ حکومت بغداد بر ایران، کاربرد لغات عربی کم شد و از سوی دیگر حملات تیموریان و ازبکان، به رواج لغات ترکی و ضعف زبان فارسی منجر گردید؛ به‌خصوص که سلاطین صفوی هم در دربار به ترکی سخن می‌گفتند.



ث) زبان سبک هندی را باید زبانی واقع‌گرا قلمداد کرد؛ زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است.

در مجموع می‌توان گفت بی‌توجهی به زبان، بی‌دقتی در کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌ها و ورود واژه‌های عامیانه در شعر این دوره کاملاً مشهود است.

۲. ادبی

الف) در سبک هندی به دلیل کم‌توجهی شاعران کوچه و بازار به آرایه‌های ادبی، بدیع و بیان جز به صورت طبیعی و تصادفی کمتر استفاده شده است. البته در شعر برخی از شاعران شاخص این دوره استفاده از آرایه‌های ادبی از جمله تشبیه بسیار رواج دارد. تلمیح نیز در مضمون‌سازی نقش فعالی دارد؛ (البته تلمیحات رایج نه تلمیحات غریب و نادر). حسن تعلیل، حس آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله نیز از دیگر آرایه‌های پرکاربرد این سبک‌اند.

ب) قالب مسلط در این دوره به ظاهر غزل است؛ اما غزلی که گاهی به ۴۰ بیت هم می‌رسد و تکرار قافیه در آن امری طبیعی است. سببش آن است که در حقیقت شاعر سبک هندی، تک‌بیت‌گو است؛ یعنی قالب حقیقی شعرش مفردات است. منتها شاعر این ابیات مستقل را به وسیله رشته قافیه و ردیف به هم گره می‌زند. شاعر تک‌بیتی می‌سازد و آن را در غزلی که مناسب آن بیت باشد، قرار می‌دهد و از این رو کم و زیاد کردن ابیات غزل، آسیمی به شعر نمی‌زند.

پ) استفاده از ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ نیز در شعر این دوره رایج است؛ برای مثال: خواهم شدن، می‌شود پیدا، می‌برد مرا، دیگر است و... .

۳. فکری

الف) شعر هندی شعری معنی‌گراست؛ نه صورت‌گرا و شاعران به معنی بیشتر توجه دارند تا به زبان. معروف است که هیچ معنا و مضمونی در جهان نیست که در شعر صائب نیامده باشد. او از گل قالی، تندباد و تبخال مضمون ساخته است. شاعران این دوره به دنبال مضمون‌سازی از هر چیزی در عالم طبیعت یا در ذهن استفاده کردند؛ اما اینها همه در



سطح‌اند و به خلق آثار معنایی بزرگی چون شاهنامه فردوسی و مثنوی مولانا یا آثار عطار و سنایی و نظامی منجر نشده‌اند.

ب) شعر در سبک هندی بیشتر در تک‌بیت خلاصه است و طول و عرض معنا از یک بیت پیش‌تر نمی‌رود و نهایت اینکه تحسین و اعجابی را در حد آن بیت برمی‌انگیزد.

پ) کار شاعران سبک هندی ترجمه مطالب فلسفی و عرفانی و غنایی گذشتگان به بیان سبک هندی بود و گاهی آن را باوجود داشتن ابهام، قابل درک‌تر و خلاصه‌تر بیان کرده است. کوشش شاعر سبک هندی مضمون‌یابی و ارائه خیال خاص و معنی برجسته است؛ یعنی یافتن فکری جزئی اما تازه و نگفته، و بیان آن به صورتی اعجاب‌انگیز.

نثر دوره هندی

نثر کتاب‌های این دوره سه نوع است:

۱ ساده

مراد از نثر ساده در این دوره نثر مرسلی نیست که امثال بلعمی می‌نوشته‌اند. در نثر ساده این دوره لغات و ترکیبات عربی و اشاره به آیات و احادیث و در آمیختگی شعر و نثر کم نیست. کتب معروفی که به این شیوه نوشته شده‌اند:

الف) کتاب‌هایی که در خارج از ایران نوشته شده‌اند:

● کتب داراشکوه در هند

● شرفنامه بدلیسی در عثمانی

● بدایع الوقایع در ملوراءالنهر

ب) کتاب‌هایی که در ایران نوشته شده‌اند:

در تاریخ:

● تذکره شاه طهماسب از شاه طهماسب صفوی؛

● عالم‌آرای عباسی از اسکندر بیگ ترکمان؛





در عرفان:

● عین الحیات از علی بن حسین واعظ کاشفی؛

در زندگی نامه:

● مجالس المؤمنین از قاضی نورالله شوشتری؛

در فقه:

● جامع عباسی از شیخ بهایی.

۲ مصنوع

در دوره صفویه از نثر مصنوع در فرمان‌ها و منشآت و دیباچه کتاب‌ها استفاده می‌شد؛ همچنان که دیباچه آثاری مثل شرفنامه بدلیسی و عیار دانش به نثر مصنوع است؛ اما از کتبی که تماماً به این شیوه نوشته شده‌اند از همه معروف‌تر عباس‌نامه وحید قزوینی و محبوب‌القلوب میرزا برخوردار فراهی است.

نثر مصنوع این دوره حلاوت و فخامت نثر فنی قرن‌های ششم و هفتم را ندارد و هر چه هست، تکلف و بی‌ذوقی و غلط‌پردازی است.

۳ بینابین

نثری است نه چندان ساده و نه چندان دشوار؛ می‌توان گفت که قصد نویسنده در اصل آسان‌نویسی بوده است؛ هر چند امروزه چندان روان و آسان به نظر نمی‌رسد. از نمونه‌های معروف نثر بینابین کتاب حبیب‌السیر از خواندمیر و احسن‌التواریخ از حسن بیگ روملو است.

ویژگی‌های نثر این دوره

برخی از ویژگی‌هایی که کم و بیش در هر سه نوع نثر این دوره وجود دارد، عبارت‌اند از:

الف) قلمرو زبانی

۱ در آمیختگی نظم و نثر؛

۲ کاربرد وجه وصفی؛

۳ جمع بستن با «ات» هم در کلمات عربی (محاربات)، هم در فارسی (گیلانات) و هم در



ترکی و مغولی (بیلاقات)؛

۴ مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی؛

۵ آوردن تتابع اضافات در مقام تعارف و تمجید از بزرگان یا به سبب قرینه‌پردازی و موازنه؛

۶ آوردن جملات طولانی؛

۷ کاربرد افعال با پیشوندهای متعدّد؛

۸ فراوانی لغات ترکی و مغولی.

(ب) ادبی

نثر این دوره از دیدگاه ادبی ارزش والایی ندارد؛ زیرا به زبان عامیانه نزدیک است و اگر بخواهند متنی ادبی بنویسند، تصنعی و باتكلف خواهد بود. انحطاط ادبی در این زمان از دوره تیموری هم بیشتر شده است. استفاده از آیات، احادیث و عبارات عربی رواج بیشتر یافت و در آرایه تلمیح نمودار شد و ضرب‌المثل‌های شیرین فارسی به عبارات عربی مکرر و بی‌روح بدل گردید.

کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتاب‌های نثر - که غالباً سروده خود مؤلفان است - رواج داشت، به علاوه بی‌دقتی در ذکر تاریخ و حوادث تاریخی و رواج مدح و چاپلوسی، نثر این دوره را از رونق انداخت. آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان‌ها (مغولی، ترکی، عربی و...) نگارش کتاب‌هایی با عنوان فرهنگ‌لغت را در این دوره رواج داد.

(پ) فکری

تأثیر فساد و تیره‌بختی چند قرن گذشته و کشتار مردم و فرار دسته‌جمعی افراد باذوق و آزاده از بیم تیغ استبداد، به خارج از ایران و کشته‌شدن یا مردن آنان از گرسنگی و فقر، همه اینها بیانگر آن است که در عصر اعتلای صفوی؛ یعنی زمان شاه عباس اول، ایران از نویسنده قوی دست خالی ماند.





خودارزیایی

۱ ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری سرودهٔ زیر را استخراج کنید:

روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده‌ام چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده‌ام
دست‌رغبت کس نمی‌سازد به‌سوی من دراز چون گل پژمرده بر روی مزار افتاده‌ام
اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی نبض موجم، در تپیدن بی‌قرار افتاده‌ام
عقده‌ای هرگز نکردم باز از کار کسی در چمن بیکار چون دست‌چنار افتاده‌ام
همچو گوهر گردلم از سنگ گردد دور نیست دور از مژگان ابر نوبهار افتاده‌ام

صائب

قلمرو زبانی	قلمرو ادبی	قلمرو فکری

۲ بیت‌های زیر را از نظر ویژگی ادبی بررسی کنید.

الف) ای گل که موج‌خنده‌ات از سر گذشته است آماده باش گریهٔ تلخ گلاب را

صائب

ب) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی هنوز می‌پرد از شوق چشم‌کوکب‌ها

صائب

۳ سبک نثر دورهٔ هندی را با نثر دورهٔ عراقی از نظر زبانی تحلیل کنید.

۴ در مورد دلیل نگارش کتاب‌های لغت‌نامه در دورهٔ هندی تحلیل کنید.

۵ بیت زیر را از نظر زیبایی‌شناسی تحلیل کنید:

ز منجنیق فلک سنگ‌فتنه می‌بارد من ابلهانه گریزم به آبگینه حصار

عرفی شیرازی



۶ وزن بیت زیر را بررسی کنید:

تو این عهدی که با من بسته بودی مگر بهر شکستن بسته بودی

طالب آملی

۷ متن زیر را از کتاب تاریخ عالم آرای عباسی از نظر ویژگی‌های زبانی و ادبی نثر این دوره (قرن‌های دهم و یازدهم) بررسی نمایید:

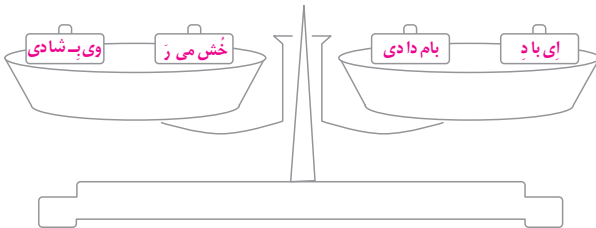
از طبقهٔ علیّه شعرا که ناظران مناظم سخن‌پیرایی و پیرانه‌بندان سلسلهٔ معنی‌آرایی‌اند در آن هنگام در اردوی معلاً و ممالک محروسه، شاعران سخنور و سخنوران بلاغت‌گستر بی‌شمار بودند در اوایل حال حضرت خاقانی جنت‌مکانی توجه تمام به حال این طبقه بود.

اسکندر بیگ ترکمان



درس یازدهم

پایه‌های آوایی همسان‌دوختی



در درس‌های گذشته با اوزان همسان، که از تکرار یک پایه آوایی، ایجاد می‌شد، آشنا شده‌ایم. اکنون با گونه‌ای دیگر از وزن‌های همسان، آشنا می‌شویم:

به آهنگ خوانش شعر زیر، توجه کنید:

ای باد بامدادی، خوش می‌روی به شادی پیوند روح کردی، پیغام دوست دادی

سعدی

ای باد	بام دادی	خُش می ر	وی به شادی
پیوند	روح کردی	پیغام	دوست دادی



می بینیم که نظم همسان پایه‌های این بیت، دو لختی است، یعنی دو واژه با هم، پایه آوایی به شمار می‌آیند. به بیان دیگر، وزن این شعر از تکرار یک پایه همسان، حاصل نشده است، بلکه یک پایه، یک درمیان تکرار شده است. در اینجا هر مصراع، به دو پاره، تقسیم می‌شود. موسیقی و آهنگ پاره دوم، تکرار همان موسیقی پاره نخست است. این نوع وزن، وزن همسان دولختی یا «دوری»^۱ نامیده می‌شود. در این وزن، میانه هر مصراع با درنگ و مکثی آشکار، همراه است. در خوانش هم این گسست آوایی باید رعایت شود.

برای درک بهتر نظم پایه‌های همسان دولختی، وزن و نشانه‌های هجایی بیت را نشان می‌دهیم.

پایه‌های آوایی	ای با دِ	با م دا دی	خُس می رَ	وی بِ شا دی
	پی وَن دِ	روح کَر دی	پِ غا مِ	دو ست دا دی
وزن	مفعولُ	فاعلاتن	مفعولُ	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	U —	— U —	U —	— U —

این شعر، چهار پایه آوایی دارد. هر مصراع آن از دو پاره همسان تشکیل شده است. اگر هجاهای این شعر را به دسته‌های (سه تایی یا چهار تایی) تقسیم کنیم نظم و آهنگ آن از دست می‌رود.

توجه:

این وزن، بر پایه برش هجایی دسته «سه تایی — چهار تایی»، به دست آمده، اگر هجاها را به شیوه چهار تایی — سه تایی، دسته‌بندی کنیم، وزن واژه «مستفعِلن فعولن» به دست می‌آید. در نظم همسان دولختی، هر مصراع از دو پاره همگون تشکیل می‌شود. در این نوع وزن، هر نیم مصراع در حکم یک مصراع است. هجای پایان نیم مصراع، مانند پایان مصراع، بلند است. بنابراین هجای کوتاه یا کشیده در پایان نیم مصراع، هجای بلند به شمار می‌آید.

۱. برخی از اوزان همسان دو لختی، ویژگی‌های اوزان دوری را ندارند.



به نظم هجاهای بیت زیر توجه کنید:

سلسلهٔ موی دوست، حلقهٔ دام بلاست

هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست

سعدی

سِل سِلِی	موی دوست	حَلَقِی دَا	مِ بَلاست
هَر کِ دَرین	حَلَقِ نیست	فَارِغَ زین	مَاجَ راست

می‌بینیم که هجای پایان نیم مصراع، «دوست» و «نیست»، هجای کشیده است، اما در این شعر به صورت یک هجای بلند محسوب می‌شود.

اکنون که پایه‌های آوایی این شعر را درک کرده‌ایم، آن را یک بار دیگر، با وزن و نشانه‌های هجایی، نشان می‌دهیم:

سِل سِلِی	موی دوست	حَلَقِی دَا	مِ بَلاست	پایه‌های آوایی
هَر کِ دَرین	حَلَقِ نیست	فَارِغَ زین	مَاجَ راست	وزن
مفتعلن	فاعِلن	مفتعلن	فاعِلن	نشانه‌های هجایی
— U U —	— U —	— U U —	— U —	

وزن این بیت، «مفتعلن فاعِلن // مفتعلن فاعِلن» است.

به نمونه‌ای دیگر توجه کنید:

هان ای دل عبرت بین، از دیده عبرت کن هان ایوان مداین را، آیینۀ عبرت دان

خاقانی

هانی دِ	لِ عِبَرَتِ بین	اَز دِیدِ	عِ بَر کُن هان
ای وَا نِ	مَدَا یِن را	آیی نِ	یِ عِبَرَتِ دان



پایه‌های آوایی این شعر نیز از ارکان دولختی (متناوب) تشکیل شده است. همین بیت را با وزن و نشانه‌های هجایی نشان می‌دهیم:

پایه‌های آوایی	ها نی د	لِ عِبَرَتِ بَین	اَز دِی دِ	عِ بَر کُن هان
وزن	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
نشانه‌های هجایی	U _ _	_ _ _ U	U _ _	_ _ _ U

آهنگ این شعر نیز از دو پایه، تشکیل شده است؛ پاره دوم تکرار پاره نخست است. به بیان دیگر وزن این شعر از تکرار دو پایه متفاوت، به صورت دو بار در هر مصراع تشکیل شده است. «وزن» این بیت، دوبار «مفعول مفاعیلن» در هر مصراع است، که وزن همسان دولختی (دوری) به شمار می‌آید.

توجه:

این وزن، بر پایه برش هجایی دسته «سه تایی — چهار تایی» به دست آمده، اگر هجاها را به شیوه «چهار تایی — سه تایی»، دسته‌بندی کنیم، وزن «مستفعل مفعولن» به دست می‌آید.

در این دسته از وزن‌ها، دو لخت با هم یک واحد موسیقایی به شمار می‌آیند؛ یعنی در اینجا هر مصراع چونان دو کفه ترازو است که باید واحد موسیقایی هم‌سنگی داشته باشد. آرایش پایه‌ها در اوزان همسان تک پایه‌ای و دولختی را، می‌توان به گونه زیر نشان داد:

همسان تک پایه ای: الف الف الف الف = □□□□

همسان دولختی: الف ب // الف ب = □Δ // □Δ



افزون بر این وزن‌ها، در شعر فارسی وزن‌های همسان دولختی دیگری وجود دارد که در دوره‌های تحصیلی بالاتر با آن آشنا خواهید شد. مانند بیت زیر:

تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او زان سفر دراز خود عزم وطن نمی کند

حافظ

وزن بیت زیر «مفتعلن مفاعِلن / مفتعلن مفاعِلن» است:

پایه‌های آوایی	تا دِلِ هَر	زِ گَرْدِ مَن	رَفَتِ بِ چِی	نِ زُلفِ او
وزن	مفتعلن	مفاعِلن	مفتعلن	مفاعِلن
نشانه‌های هجایی	- U U -	- U - U	- U U -	- U - U

خودارزیابی



۱ کدام یک از بیت‌های زیر، دارای نظم همسان دولختی است؟ پس از تعیین پایه‌های آوایی هر یک، وزن آن را بنویسید:

(الف) یک عمر دور و تنها، تنها به جرم اینکه

او سرسپرده می‌خواست، من دل سپرده بودم

بهمنی

(ب) درودی چو نور دل پارسایان بدان شمع خلوتگه پارسایی

حافظ

۲ در نمونه‌های زیر، بیت‌هایی را که وزن همسان دولختی دارند، مشخص کنید:

(الف) الفبای درد از لبم می‌تراود نه شبنم که خون از شبنم می‌تراود

قیصر امین‌پور



(ب) آیینۀ سکندر، جام می است بنگر تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا

حافظ

(پ) ای صبح شب نشینان جانم به طاقت آمد

از بس که دیر ماندی چون شام روزه داران

سعدی

(ت) چو دل بر نهی بر سرای کهن کند ناز وز تو بیوشد سخن

فردوسی

۳ پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ابیات زیر دارای وزن همسان دولختی هستند؟

(الف) باغ سلام می کند، سرو قیام می کند سبزه پیاده می رود، غنچه سوار می رسد

مولوی

(ب) ای صاحب کرامت، شکرانۀ سلامت روزی تفقدی کن درویش بینوا را

حافظ

۴ بیت زیر را بخوانید و مطابق جدول زیر، پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی آن را بنویسید.

ای دوست شکر خوشتر یا آن که شکر سازد؟

خوبی قمر بهتر، یا آن که قمر سازد؟

مولوی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی



۵ برای هر کدام از موارد زیر از خودارزیابی‌ها نمونه‌ای بیابید و بنویسید:

الف) مجاز:

ب) استعاره:

پ) تشبیه:

۶ بیت خودارزیابی ۴ را از نظر فکری تحلیل کنید.



درس دوازدهم

کنایه

کنایه هم گونه‌ای از مجاز است که بر بنیاد اصل مجاورت استوار است. همان‌طور که استعاره بر بنیاد مشابهت استوار بود. در کنایه هم معنای قاموسی و واژگانی عبارت (معنای نزدیک) و هم معنای مجازی (معنای دور) با هم به ذهن خواننده می‌آیند؛ اما خواست گوینده معنای دور است و آن را با تأمل در اجزای کلام و بافت سخن می‌توان دریافت. به عبارتی در کنایه معنای نزدیک و دور لازم و ملزوم یکدیگر هستند و با دقت در اجزای کلام، از معنای نزدیک به معنای دور منتقل می‌شویم.

کنایه در لغت، یعنی «پوشیده سخن گفتن» و در اصطلاح، واژه یا عبارتی است که معنای ظاهری و نزدیک آن، مورد نظر گوینده نیست؛ بلکه مفهوم دور آن مدنظر است؛ مثال:

وقتی می‌گوییم «فلانی دست به جیب است» سخنی به کنایه گفته‌ایم و منظورمان این است که او مرد خیر و بخشنده‌ای است و صرفاً هدف ما این نیست که بگوییم او دست به جیب می‌برد.



به این بیت توجه کنید:

همّت مردانه می‌خواهد گذشتن از جهان یوسفی باید که بازار زلیخا بشکند

صائب

ذهن ما در عبارت «بازار شکستن» با توجه به واژگان و اصطلاحات به کار رفته در بیت مثل یوسف، گذشتن از دنیا و داشتن همّت مردانه، به معنای دور آن یعنی «بی‌رونق کردن» راهنمایی می‌شود.
چند مثال دیگر:

● سخن او بر سر زبان‌ها افتاد.

● زاغی از آنجا که فراغی گزید، رخت خود از باغ به راغی کشید

جامی

● اکنون همچنین علمای زمان در علوم موی می‌شکافند.

فیه مافیه مولوی

● بر سر زبان افتادن کنایه از «فاش شدن»، رخت کشیدن کنایه از «کوچ کردن» و «موی شکافتن» به معنای دقت کردن و ریزینی است.

دامن کشان که می‌روی امروز بر زمین فردا غبار کالبدت بر هوا رود

سعدی

دامن کشان بر زمین راه رفتن، کنایه از «ناز و غرور داشتن» است. مصراع دوم نیز، کنایه از «مردن» است.

فرق کنایه با مجاز

در مجاز، فقط یکی از دو معنی، قابل دریافت است آن هم معنی غیر حقیقی، اما در کنایه، هر دو معنی دور و نزدیک دریافت می‌شود؛ ولی معنی دور اراده شده است. برای مثال وقتی در بیان خسیس بودن کسی می‌گوییم: آب از دستش نمی‌چکد، هم معنای نریختن آب از دست دریافت می‌شود، هم معنای دوم یعنی خسیس بودن؛ اما معنای دوم مورد نظر شاعر است.



فرق استعاره و کنایه

معمولاً استعاره در «واژه» و کنایه در «ساختار کلام»، روی می دهد؛ مثال:

به خون خود آغشته و رفته اند چه گل های رنگین به جویبارها

علامه طباطبائی

در این بیت گل ها استعاره از شهیدان است؛

اما در بیت:

دامن هر گل مگیر و گرد هر بلبل مگرد طالب حسن غریب و معنی بیگانه باش

صائب

عبارت های: «دامن چیزی را گرفتن» و «گرد چیزی گردیدن» کنایه هستند و در بافت کلام و عبارت آمده اند.

چند کنایه دیگر:

دسته گل به آب دادن، کنایه از «اشتباه بزرگ کردن»

دست و پا گم کردن، کنایه از «دچار نگرانی شدن، هول شدن»

تنگدست بودن، کنایه از «فقیر بودن»

ثابت قدم بودن، کنایه از «با اراده بودن»

خود ارزیابی

۱ کنایه ها را در مثال های زیر بیابید.

(الف) عاقل چون خلاف اندر میان آید، بجهد و چون صلح بیند، لنگر بنهد.

گلستان سعدی

(ب) ای پای به گل فرو شده، ای خسته تیر بلا، همه ما را خوانید؛ گرد در ما گردید.

کشف الاسرار میبیدی



(پ) دل‌ها اگر چه صاف، ولی از هراس سنگ آینه بود میل تماشا شدن نداشت

سلمان هراتی

(ت) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک بگفت آنگه که باشم خفته در خاک

نظامی

(ث) در هر طرف ز خیل حوادث کمین گهی است زان رو عنان گسسته دواند سوار عمر

حافظ

(ج) به کس مگوی که پایم به سنگ عشق برآمد که عیب گیر دو گوید چرا به فرق نیویی

سعدی

۲ مفهوم کنایی عبارت‌های زیر را مشخص کنید:

(الف) چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت

فردوسی

(ب) از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو

مولوی

(پ) نقشی بر آب می‌زنم از گریه حالیا تا کی شود قرین حقیقت، مجاز من

حافظ

(ت) قمری ریخته بالم به پناه که روم؟ تابه کی سرکشی ای سرو خرامان از من؟

کلیم همدانی

۳ در نمونه‌های زیر کنایه‌ها را بیابید و مفهوم کنایی آنها را بیان کنید.

(الف) ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روز دریابی

سعدی

(ب) بس بگردید و بگرد روزگار دل به دنیا در نبندد هوشیار

سعدی



(پ) از در درآمدی و من از خود به در شدم گویی کزین جهان به جهان دگر شدم

سعدی

(ت) الهی پیشانی برخاک نهادن آسان است؛ دل از خاک برداشتن دشوار است.

حسن زاده آملی

(ث) در سلطان و شه راروزها بیهوده کوبیدن، دگر در کوی شاه خود کنم خاکی به سر امشب

محو

۴ ویژگی‌های زبانی و فکری مثال‌های خودارزیابی ۲ را بررسی کنید.

۵ وزن بیت زیر را بیابید:

زنده به بوی توام، بوی ز من وا مگیر تشنه روی توام، باز مدار از من آب

عراقی





کارگاه تحلیل فصل

۱ دو غزل زیر را بخوانید و پرسش‌ها را پاسخ دهید:

هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست	مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست
که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست	چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم
به راستان که بمیرم بر آستان ای دوست	گرم تو در نگشایی کجا توانم رفت
اگر مراد تو قتل است، وارهان ای دوست	مرا رضای تو باید، نه زندگانی خویش
به دوستی که غلط می‌برد گمان ای دوست	که گفت سعدی از آسیب عشق بگریزد

سعدی

ای دفتر حسن تو را فهرست، خط و خال‌ها
تفصیل‌ها پنهان شده در پردهٔ اجمال‌ها
آتش‌فروز قهر تو، آینه‌دار لطف تو
هم مغرب ادبارها، هم مشرق اقبال‌ها
پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما
آینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها



با عقل گشتم همسفر یک کوچه راه، از بی کسی
شد ریشه ریشه دامنم از خار استدلال‌ها
هر شب کواکب کم کنند از روزی ما پاره‌ای
هر روز گردد تنگ‌تر سوراخ این غربال‌ها
هر چند صائب، می روم سامان نومی‌دی کنم
زلفش به دستم می دهد سر رشته آمال‌ها

صائب

(الف) وزن هر دو غزل را بیابید.
(ب) دو غزل را از نظر قلمرو زبانی و فکری مقایسه و تحلیل کنید.
(پ) دو غزل را از دیدگاه زیبایی‌شناسی تحلیل نمایید.

۲ در ابیات و عبارات زیر تشبیه را مشخص کنید و ارکان تشبیهات فشرده را بنویسید:

(الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

قیصر امین پور

(ب) پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل
از گل دل کرد.

مرصاد العباد

(پ) پروردگارا روا مدار در ظلمات جهل و ضلال از چراغ هدایت به دور افتم.

صحیفه سجاده

(ت) مه طاسک گردن سمندت شب طره پرچم سیاهت
چرخ ار چه رفیع، خاک پایت عقل ار چه بزرگ طفل راحت

جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

(ث) دریای شورانگیز چشمان تو زیباست آنجا که باید دل به دریا زد، همین جاست

حسین منزوی



۳ مجاز را در بیت‌های زیر مشخص کنید:

(الف) عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه انگیز جهان نرگس جادوی تو بود

حافظ

(ب) دیدی که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند

شفائی اصفهانی

(پ) از تو به که نالم که دگر داور نیست وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست

سعدی

۴ در ابیات و عبارات زیر استعاره را بیابید و مشخص کنید که آن استعاره، کدام رکن باقی‌مانده از تشبیه است؟

(الف) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه بان دارد بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد

حافظ

(ب) دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی

سنایی

۵ در ابیات زیر عبارت کنایه را مشخص کنید و مفهوم کنایی آن را بنویسید.

(الف) به تیغم گر کُشد، دستش نگیرم و گر تیرم زند منت پذیرم

حافظ

(ب) یکی نغزبازی کند روزگار که بنشاندت پیش آموزگار

فردوسی

۶ آرایه‌های تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه را در ابیات و عبارات زیر مشخص کنید:

(الف) داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو کز باغ جهان لاله‌عذاران همه رفتند

محمد تقی بهار



(ب) با آسمان مفاخره کردیم تا سحر او از ستاره دم زد و من از تو دم زدم

حسین منزوی

(پ) این نغمهٔ محبت بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران

شفیعی کدکنی

(ت) الهی، عقل گوید: الحذر، الحذر؛ عشق گوید: العجل، العجل.

آیتاله حسن زاده آملی

(ث) از دیده گر سرشک چو باران چکد، رواست کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر

حافظ

(ج) روشنی روز تویی، شادی غم‌سوز تویی ماه شبافروز تویی، ابرشکر بار بیا

مولوی

(چ) چون در این آیات تأمل کنند، بهار توحید از دل‌های ایشان سر برزند. درخت معرفت به بار آید، چشمهٔ حکمت گشاید، یاسمین شوق بردهد.

کشف‌الاسرار میبدی

(ح) دلم شکستی و رفتی، خلاف شرط مودت به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستی

سعدی

(خ) توقامت بلند تمنّایی ای درخت / همواره خفته‌است در آغوش آسمان / بالایی ای درخت

سیاوش کسرائی

(د) جهان را سر به سر آینه می‌دان به هر یک ذره‌ای صد مهر تابان

شیخ محمود شبستری

(ذ) همگنان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید.

اخوان ثالث



(ر) ای گل بوستان سرا، از پس پرده‌ها درآ بوی تومی کشدمرا، وقت سحر به بوستان

صائب

(ز) پیداست از گلاب سرشکم که من چو گل یک روز خنده کردم و عمری گریستم

شهریار

(ژ) موی سفید را فلکم رایگان نداد این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام

دهی معیری

۷ با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی آنها را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید:

(الف) اگر تو ز آموختن سر بتابی، نجوید سر تو همی سروری را

ناصر خسرو

(ب) در هوایت بی قرارم روز و شب سر ز پایت بر ندارم روز و شب

مولوی

۸ با خوانش بیت‌ها، مرز پایه‌های آوایی را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آنها طراحی نموده، هر پایه را در خانه خود جای دهید و وزن آنها را بنویسید:

حافظ

(الف) ز چشم شوخ توجان کی توان برد که دائم با کمان اندر کمین است

فردوسی

(ب) نمیرم از این پس که من زنده‌ام که تخم سخن را پراکنده‌ام



۹ با توجه به آهنگ بیت زیر، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در جای خالی بنویسید:

نمی‌دانم بگو عشق تو از جانم چه می‌خواهد

چه می‌خواهد بگو عشق تو از جانم؟ نمی‌دانم

قیصر امین پور

چ می‌خا هَد	بِ گو عَش قِ	نِ می دَانَم
نِ می دَا نَم

۱۰ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و نشانه‌های هجایی هریک را در خانه‌ها قرار دهید:

(الف) بازآمدم بازآمدم، از پیش آن یارآمدم درمن نگر، درمن نگر، بهر تو غمخوار آمدم

مولوی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

(ب) ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده

نظامی

			پایه‌های آوایی
			وزن
			نشانه‌های هجایی



۱۱ پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ابیات زیر دارای وزن همسان دولختی هستند؟

(الف) از نظرت کجارود، و برود تو هم‌رهی رفت و ره‌انمی کنی، آمد و ره‌نمی دهی

سعدی

(ب) اشک سحر زداید، از لوح دل سیاهی خرم کند چمن را، باران صبحگاهی

رهی معیری

۱۲ بیت‌هایی را که نظم همسان دولختی (دوری) دارند، مشخص کنید:

(الف) در سینه‌ام دوباره غمی جان گرفته‌است امشب دلم به یاد شهیدان گرفته‌است

سلمان هراتی

(ب) بسیار گنه کردیم، آن بود قضای تو شاید که به ما بخشی، از روی کرم آنها

سنایی

(پ) هر دم از این باغ بری می‌رسد تازه تر از تازه‌تری می‌رسد

نظامی

۱۳ بیت‌های زیر را تقطیع هجایی کنید و مطابق جدول زیر، پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی آن را بنویسید:

(الف) دائم گل این بستان، شاداب نمی‌ماند دریا ب ضعیفان را در وقت توانایی

سعدی

(ب) هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست

مولوی

(پ) غمناک نباید بود، از طعن حسودای دل شاید که چو وابینی، خیر تو در این باشد

حافظ



				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی





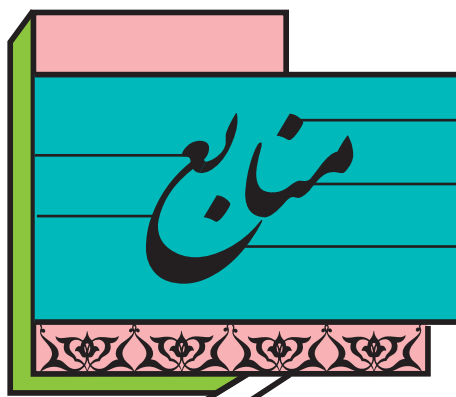
نیایش

خداوندا، کیست که ساغر محبت از دست تو نوش کرد و حلقه بندگی دیگری در گوش کرد؟

خدایا، کدامین کهکشان بر گرد تو گشت و واله و حیران تو نگشت؟
معشوقا، کدامین انسان، پیشانی عشق بر خاک ربوبیت تو سایید و دل به دیگری سپرد؟

ای آرزوی دل های آرزومندان؛ ای اشتیاق مشتاقان؛ ای امید امیدواران؛ ای عشق عاشقان؛ آتش عشقت را در خرمن وجودم بیفکن، سبزینه محبت را در برگ های به زردی گراییده وجودم بدوان.

خدایا، به من نگاهی ده که جز روی تو نتواند دید و گوشی که جز صدای تو نتواند شنید.



- **آرایه‌های ادبی**، هادی، روح‌الله، اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، ۱۳۹۴.
- **آشنایی با عروض و قافیه**، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۲.
- **آموزش عروض و قافیه از دریچه پرسش**، هادی، روح‌الله، سمت، تهران، ۱۳۹۲.
- **ادبیات فارسی (قافیه، عروض، سبک‌شناسی و نقد ادبی)**، دوره پیش‌دانشگاهی، وحیدیان کامیار، تقی، زرین کوب، عبدالحسین و زرین کوب، حمید، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۹۴.
- **الهی نامه**، عطار نیشابوری، فریدالدین، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران.
- **بررسی اوزان شعر فارسی (عروض)**، زمانیان، صدرالدین، انتشارات فکر روز، چاپ بنیاد جانبازان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- **بهارستان**، جامی، عبدالرحمن، به کوشش اسماعیل حاکمی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴.
- **تاریخ ادبیات ایران**، رضا زاده شفق، صادق، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۴۳.
- **تاریخ ادبیات در ایران**، صفا، ذبیح‌الله، نشر فردوس، تهران، ۱۳۸۲.
- **تاریخ ادبیات ایران و جهان ۱ (کتاب درسی وزارت آموزش و پرورش)**، یاحقی، محمدجعفر، اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی، ۱۳۹۴.
- **حافظ‌نامه**، خرمشاهی، بهاء‌الدین، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
- **حدیقة الحقیقه**، سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۹.
- **خمسة نظامی**، به تصحیح وحید دستگردی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۳.
- **درقلمرو زبان فارسی**، وحیدیان کامیار، تقی، نشر محقق، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- **دیوان اشعار حافظ**، شمس‌الدین محمد، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، زوار، تهران، ۱۳۷۰.
- **دیوان اشعار خاقانی شروانی**، به کوشش ضیاءالدین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۵۷.
- **دیوان اشعار عطار نیشابوری**، فریدالدین، به کوشش تقی تفضلی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۶.
- **دیوان اشعار منوچهری دامغانی**، محمد دبیرسیاقی، نشر زوار، تهران، ۱۳۷۵.
- **دیوان اشعار ناصر خسرو**، به کوشش مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- **دیوان انوری**، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.



- دیوان جامی، نورالدین عبدالرحمن، با مقدمه و اشراف محمد روشن، انتشارات نگاه، ۱۳۸۰.
- دیوان خاقانی، تصحیح ضیالذین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۶۹.
- دیوان سنایی غزنوی، به سعی و اهتمام مدرّس رضوی، انتشارات سنایی، تهران.
- دیوان شمس تبریزی، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، حواشی و تعلیقات: م. درویش، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۱.
- سبک شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی، بهار، محمدتقی، نشر زوار، تهران.
- سبک شناسی شعر، شمیسا، سیروس، نشر فردوس، تهران، ۱۳۷۴.
- سبک شناسی نثر، شمیسا، سیروس، نشر میترا، تهران، ۱۳۷۷.
- شاهنامه فردوسی، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، چاپ سوم، انتشارات علمی، ۱۳۶۱.
- عروض فارسی (شیوه‌های نو برای آموزش عروض و قافیه)، ماهیار، عباس، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۸.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی، محمدرضا، انتشارات آگاه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶.
- فارسی عمومی، فتوحی، محمود، انتشارات سخن، تهران، چاپ چهل و پنجم، ۱۳۹۰.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، مؤسسه نشر هما، تهران، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۷.
- کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
- کلیات سعدی، سعدی شیرازی، ابوعبدالله شرف‌الدین مصلح، به کوشش محمدعلی فروغی، عباس اقبال آشتیانی، نشر جاودان، تهران، ۱۳۷۱.
- کلیات دیوان وحشی بافقی، با تصحیح محمد عباسی، ناشر فخر رازی، ۱۳۶۸.
- کلیات سوگنامه عاشورایی فدایی، فدایی مازندرانی، میرزا محمود، به کوشش فریدون اکبری شیلدره، انتشارات فرتاب، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
- کلبه و دمنه، انشای ابوالمعالی نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، انتشارات امیرکبیر، ج بیست و پنجم، تهران، ۱۳۸۳.
- گنج سخن (شاعران بزرگ پارسی گوی و منتخب آثارشان)، صفاء ذبیح الله، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ ۱۳۷۴.
- گنجینه سخن (پارسی نویسان بزرگ و منتخب آثارشان)، صفاء ذبیح الله، نشر امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
- مثنوی معنوی، مولوی، جلال الدین محمد، تصحیح نیکلسن، با مقدمه قدمعلی سرّامی، انتشارات بهزاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- مجموعه آثار فخرالدین عراقی، به تصحیح و توضیح محتشم (خزاعی)، نسرين، انتشارات زوار، ۱۳۷۲.
- مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور، تهران، مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- موسیقی شعر، شفیع کدکنی، محمدرضا، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۸.
- نیایش نامه، برگزیده‌ای از نیایش‌های ادیان و فرهنگ‌ها، رضا باقریان، تهران مؤسسه فرهنگی دین - پژوهی بشرا، ۱۳۷۸.
- وزن شعر فارسی، خانلری، پرویز، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۷.
- وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۴.
- موسیقی شعر، شفیع کدکنی، محمدرضا، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۸.



معلّمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند
نظر اصلاحی خود را دربارهٔ مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران،
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴، گروه درسی مربوطه یا پیام نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری